

جلسه‌ی هفتم

سیری در دعوت

انبیاء الهی

# آنچه گذشت

کمال انسان در (تعادل در قوا است)،  
و بزرگترین مانع کمال،  
(طغیان شهوت و غضب)،  
در اثر (تبعیت از هوا)، است.

.....

(شهوت و غضب)، طغیان می‌کنند،  
و (عقل)، را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند.

(إنارة العقل مكسوف بطوع هوى)،  
(نورانيت عقل با تبعیت از هوى پوشیده می شود)،

.....

(شهوت و غضب)، طغیان می کنند،  
و (عقل)،  
برای رهایی از سلطه‌ی (شهوت و غضب)،  
به تربیت صالح نیازمند است.



(يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَ تَكُفُّكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ)  
(وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ)

.....

ای مردم!

(موعظه‌ای از جانب پروردگارتان)،

(و شفای آنچه در سینه‌ها است)

(و هدایت و رحمت برای مؤمنین)

برای شما آمده است.

در این آیه‌ی شریفه،  
قرآن کریم خود را به چهار صفت،  
توصیف می‌کند:



(موعظه، شفا)،

(هدایت و رحمت برای مؤمنین).

(يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ)



قرآن، (موعظه‌ای از جانب پروردگار)، است؛

یعنی قرآن، کتابی است که با:

(تذکرات مفید و آگاهی دادن سودمند و مناسب)،

(به حق راهنمایی می‌کند).

(هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَ مَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ)



قرآن، (بیانی برای مردم و هدایت)،

و (موعظه برای متقیان)، است؛

پس فقط (متقیان) از (موعظه)، بهره‌مند می‌شوند؟



(متقی) کسی است که:

بنای مراقبت از سعادت خود را دارد.



# ادامه‌ی سخن

قرآن کتاب

شفای دردهای سینه‌ها

(يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَ تَكُفُّكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ)  
(وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ)

.....

ای مردم! (موعظه‌ای از جانب پروردگارتان)،  
(و شفای آنچه در سینه‌ها است)  
برای شما آمده است.

مرحوم علامه طباطبائی،  
درباره‌ی کلمه‌ی (صدر) می‌فرماید:

---

الناس لما وجدوا القلب في الصدر،  
و هم يرون أن الإنسان إنما يدرك ما يدرك بقلبه.

---

مردم زمانی که (قلب را در سینه)، یافتند،  
در حالی که می‌بینند  
هر چه را انسان درک می‌کند با (قلب) درک می‌کند؛



و به یعقل الأمور و یحب و یبغض  
و یرید و یکره و یشقاق و یرجو و یتمنی،

.....

به وسیله‌ی (قلب) است که:

(تعقل کرده، دوست و دشمن داشته)،

(اراده کرده و گراهِت و شوق و امید و آرزو را)

نشان می‌دهد؛

عدوا الصدر خزانة لما في القلب من أسرارهِ و الصفات  
الروحية التي في باطن الإنسان من فضائل و رذائل،

---

(صدر) را خزانه‌ی آنچه در (قلب) است،

به شمار آوردند، یعنی:

(اسرار و صفات روحی)

(از رذائل و فضائلی که در درون انسان است)

و في الفضائل صحة القلب و استقامته،  
و في الرذائل سقمه و مرضه،

.....

پس (صحت و استقامت قلب) در (فضائل) است؛  
و (درمندی و بیماری قلب) در (رذائل) است؛

و الرذيلة داء يقال: شفيت صدري بكذا إذا ذهب به  
ما في صدره من ضيق و حرج، و يقال: شفيت قلبي،

.....  
پس (رذائل) (درمندی و بیماریند)

زمانی گفته می‌شود:

(سینه‌ام را با فلان دارو شفا دادم)؛

که تنگی و سختی که در سینه است، از میان برود؛

و گفته می‌شود: (قلبم را شفا دادم)؛



و شفاء ما في الصدور كناية عن ذهاب ما فيها من الصفات  
الروحية الخبيثة التي تجلب إلى الإنسان الشقاء و تنقص عيشته  
السعيدة و تحرمه خير الدنيا و الآخرة.

.....  
پس (شفای آنچه در سینه‌ها است)

کنایه است از:

(رفتن صفات خبیث روحی)

(که موجب شقای انسان می‌شود)؛

(و زندگی سعادتمندانه‌ی انسان را خدشه دار می‌کند)؛

(و انسان را از خیر دنیا و آخرت محروم می‌کند)

(يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَ تَكُفُّكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ)  
(وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ)

.....

ای مردم! (موعظه‌ای از جانب پروردگارتان)،  
(و شفای آنچه در سینه‌ها است)  
برای شما آمده است.

# قرآن کتاب هدایت

(يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَ تَكُفُّكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ)  
(وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ)

.....

ای مردم!

(موعظه‌ای از جانب پروردگارتان)،

(و شفای آنچه در سینه‌ها است)

(و هدایت و رحمت برای مؤمنین)

برای شما آمده است.



بعد از دو صفت (موعظه و شفا)،  
سومین صفت، (هدایت) است:



(و هُدًى وَ رَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ)

# شرح معنای هدایت

التحقيق درباره‌ی ریشه‌ی کلمه‌ی (هدی) می‌گوید:

.....  
أَنَّ الأصل الواحد في المادّة:

هو بيان طريق الرشد و التمكن من الوصول الى الشيء،  
أى دلالة اليه؛ فالهداية يقابله الضلالة.

.....  
اصل واحد در ماده‌ی (هدی)، (بیان مسیر رشد) و  
(ایجاد امکان دسترسی و راهنمایی به چیزی) است.  
(هدایت نقطه‌ی مقابل ضلالت است).

یکبار دیگر ببینید!



(هدایت)،

(بیان مسیر رشد) و

(ایجاد امکان دسترسی و راهنمایی به چیزی)

است.

(هدایت نقطه‌ی مقابل ضلالت است).



# بهرمندی از هدایت

(وَهْدَىٰ وَرَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ)



قرآن، (کتاب هدایت)، است؛  
اما آیا همگان از این (هدایت)، بهره‌مند  
می‌شوند؟

پاسخ این سوال در نزد خود قرآن است.

(هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَ مَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ)



قرآن، (بیانی برای مردم و هدایت)،  
و (موعظه و هدایت برای متقیان)، است؛  
پس فقط (متقیان) از (هدایت)، بهره‌مند می‌شوند؟



(متقی) کسی است که:  
بنای مراقبت از سعادت خود را دارد.

# قرآن کتاب رحمت



(يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَ تَكُفُّكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ)  
(وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ)

.....

ای مردم!

(موعظه‌ای از جانب پروردگارتان)،

(و شفای آنچه در سینه‌ها است)

(و هدایت و رحمت برای مؤمنین)

برای شما آمده است.

# شرح معنای رحمت

الميزان درباره‌ی کلمه‌ی (رحمت) می‌گوید:

الرحمة تأثر خاص في القلب عن مشاهدة ضر أو نقص في الغير،  
يبعث الراحم إلى جبر كسره و إتمام نقصه.

(رحمت)، (اثر پذیری قلب)

(هنگام مشاهده‌ی ضرر یا نقص در دیگری) است؛

به شکلی که رحم کننده را به:

(جبران شکست و کامل کردن نقص)، تحریک می‌کند.

و إذا نسبت إليه تعالى

كان بمعنى النتيجة دون أصل التأثير لتنزهه تعالى عن ذلك  
فينطبق على مطلق عطيته تعالى و إفاضته الوجود على خلقه.

.....  
(رحمت)،

زمانی که به حق تعالى نسبت داده می‌شود، به معنای

(نتیجه / جبران شکست و کامل کردن نقص) است.

پس به معنای

(مطلق عطای حق تعالى و افاضه‌ی وجود بر خلق) است.



به طور خلاصه:

(رحمت)،

(جبران شکست و کامل کردن نقص)، است.

و در مورد حق تعالی:

(مطلق عطای حق تعالی و افاضه‌ی وجود بر خلق) است.

# نحوه‌ی پدیدار شدن رحمت در عامه‌ی خلق

و عطیته إذا نسبت إلى مطلق خلقه كانت هي ما  
ينسب إليه تعالى من وجودهم و بقائهم و رزقهم  
الذي یمد به بقاؤهم؛



(عطای حق تعالی / رحمت)،

زمانی که به مطلق خلق نسبت داده می‌شود،  
به معنای

(وجود آنها و بقای آنها) است.

و رزقهم الذي يمد به بقاؤهم؛  
و سائر ما ينعم به عليهم من نعمة التي لا تحصى كثرة  
(وَ إِن تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا).



همچنین به معنای (رزق آنها) است،  
که بقای آنها به آن وابسته است؛  
و سایر نعمتهایی که به آنها می‌بخشد و از شماره خارج است،  
حق تعالی می‌فرماید:  
اگر نعمتهای خدا را بشمارید،  
(نمی‌توانید به عدد آن دست پیدا کنید).



# نحوه‌ی پدیدار شدن رحمت در مؤمنین

و إذا نسبت إلى المؤمنين خاصة كانت هي ما يختص بهم من  
سعادة الحياة الإنسانية بمظاهرها المختلفة التي ينعم الله بها  
عليهم؛



(عطای حق تعالی / رحمت)،

زمانی که به (مؤمنین) به طور خاص نسبت داده می‌شود،  
به معنای

(سعادت حیات انسانی با تمامی جلوه‌های آن) است،  
که خداوند به آنان بخشیده است.

من المعارف الحقّة الإلهية و الأخلاق الكريمة،  
و الأعمال الصالحة، و الحياة الطيبة في الدنيا و الآخرة،  
و الجنة و الرضوان.

.....

این نعمتها عبارتند از:

(معارف حقّه ی الهیه / اخلاق کریمه / اعمال صالحه)

(حیات طیبه در دنیا و آخرت)

و (بهشت و رضوان) است.

قرآن،  
شفا و رحمت  
برای مؤمنین



و من ثم إذا وصف القرآن بأنه رحمة للمؤمنين،  
كان معناه أنه:

يغشى المؤمنين أنواع الخيرات و البركات،

---

به همین خاطر وقتی قرآن خود را  
(رحمت برای مؤمنان) توصیف می‌کند؛  
معنایش این است که قرآن مؤمنان را با:  
(انواع خیرات و برکات در بر می‌گیرد)؛

التي كنزها الله فيه  
من تحقق بحقائقها و تلبس بمعانيها.

---

(خيرات و بركاتى) كه الله تعالى :

(همچون گنج پنهان)

در درون قرآن قرار داده است؛

برای كسى كه:

(حقایق قرآن در وجودش تحقق پیدا كند)

و (لباس معانى آن را بر تن كند).

حق تعالی می‌فرماید:

.....

(وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ)  
(وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا)

.....

قرآنی را نازل کردیم که:

(شفا و رحمت برای مؤمنین است)،  
(و جز بر خسارت ظالمان نمی‌افزاید)

# جمع‌بندی

## اوصاف چهارگانه‌ی قرآن



و إذا أخذت هذه النعوت الأربعة  
التي عدها الله سبحانه للقرآن في هذه الآية  
أعني أنه موعظة و شفاء لما في الصدور و هدى و رحمة؛  
و قيس بعضها إلى بعض ثم اعتبرت مع القرآن،



زمانی که صفات چهارگانه‌ای را،  
که خداوند در این آیه برای قرآن بر شمرده، یعنی:  
(موعظه، شفاء، هدایت و رحمت برای مؤمنین)، بررسی می‌کنید؛  
و این صفات چهارگانه را با یکدیگر مقایسه کرده،  
و صحت این مقایسه را از قرآن دریافت می‌کنید؛

كانت الآية بيانا جامعا لعامة أثره الطيب الجميل  
و علمه الزاكي الطاهر الذي يرسمه في نفوس المؤمنين

---

( متوجه می شوید )

آیه، بیانی جامع برای:

( نحوه ی اثر گذاری پاکیزه و زیبای قرآن )،

و ( علم پاک و پاکیزه ی آن ) است.

منذ أول ما يقرع أسماعهم،  
إلى آخر ما يتمكن من نفوسهم و يستقر في قلوبهم.

---

از آغاز راه وقتی که به گوش آنها می‌رسد،  
تا پایان مسیر که:

(در جان آنها جای گرفته)؛

و در قلبهایشان استقرار می‌یابد.

ادامه‌ی سخن را به  
جلسه‌ی آینده موکول  
می‌کنیم



پایان جلسه ی هفتم

سیری در دعوت

انبیاء الهی